

تأثیر نقش پدری بر تربیت دینی فرزندان در بین خانواده‌های شهر مشهد^۱

حمید مسعودی*

محمد مظلوم خراسانی**

محسن نوغانی***

چکیده

با بروز تغییرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جوامع امروز، روابط اعضای خانواده با یکدیگر تغییر کرده که از جمله‌ی آنها رابطه بین پدر و فرزند می باشد. بنابراین پژوهش حاضر به بررسی تأثیر نقش پدری بر تربیت دینی فرزندان می‌پردازد. این پژوهش با روش پیمایش و جامعه آماری کلیه خانواده‌های شهر مشهد با استفاده از پرسشنامه انجام گرفته است. لذا پژوهش به بررسی تأثیر نقش پدری در ابعاد بازی، عاطفی و پرورشی، ارائه‌دهنده خدمات، حمایتی، مراقبتی، هویت بخشی و تربیت اجتماعی و روانی بر تربیت دینی پرداخته است. ابزار پژوهش پس از طراحی اعتبارسنجی و پایایی سنجی شده و به صورت مصاحبه اجرا گردیده است.

یافته‌ها نشان می‌دهد، فرضیات پژوهش تأیید شده و نقش بازی کردن، نقش عاطفی و پرورشی، نقش ارائه‌دهنده خدمات، نقش حمایتی، نقش مراقبتی، نقش هویت‌بخشی جنسیتی و در نهایت نقش تربیت اجتماعی بر نقش تربیت دینی پدر تأثیر معنی‌داری داشته و نقش مراقبتی نیز بی‌تأثیر است. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که در خانواده‌های امروزی پدران با توجه به ابعاد چندگانه وظایف خود نقش مهمی را در تربیت دینی فرزندان خود دارند و این ظرفیت‌ها می‌توانند با آموزش و فرهنگ سازی در کشور مورد توجه جدی قرار گیرند.

واژگان کلیدی: پدر، پدری، تربیت دینی فرزندان، نقش تربیتی پدری، رابطه فرزند والد.

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه‌ای در مقطع کارشناسی ارشد رشته پژوهش علوم اجتماعی است.

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی گرایش جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

Email: massoudihamid@gmail.com

Email: mmkhorasani@um.ac.ir

Email: noghani@um.ac.ir

** استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد

*** دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد

بیان مسئله

آموزه‌های مدرنیته، تغییر در وضعیت ایفای نقش اعضای خانواده را اجتناب‌ناپذیر ساخته، زنان، مردان و جامعه را برای تحولاتی اساسی در مسائل خانواده آماده کرد (رودگر، ۱۳۸۸، ص ۳۹). والدین در هر جامعه‌ای مانند افراد دیگر جامعه، اولاً دارای سرمایه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هستند؛ ثانیاً، سرمایه‌های فرهنگی آنها بیشترین تأثیر را بر افکار و رفتارهای آنها از جمله شیوه‌های فرزند پروری‌شان داشته و ثالثاً، فضاها و ارتباطی زندگی آنها را شکل داده و هدایت می‌کند. بنابراین، به نظر می‌رسد نقش فضاها و فرهنگی درون خانه‌ها که با سرمایه‌های فرهنگی آنان در ارتباط است، تأثیر بسیار مهمی بر چگونگی شکل شخصیت و فرهنگ فرزندان‌شان خواهد داشت. توجه به فرهنگ فضای ارتباط در درون خانواده‌ها از این نظر قابل تعمق و اهمیت است که فرزندان، آینده‌سازان جامعه، در چنین فضاها و رشد کرده و تا حدود زیادی محصول چگونگی فرهنگ آن خواهند بود. البته، منابع آموزشی و فرهنگی دیگر مانند نهاد آموزش و پرورش، رسانه‌ها و شبکه‌دوستان در شکل‌گیری شخصیت و فرهنگ فرزندان مؤثر هستند؛ ولی پژوهش‌های متعددی بر این باورند که والدین تأثیر بسیار زیادی بر فرزندان خود دارند (منادی، ۱۳۸۶، ص ۲۹). این تأثیر اگرچه جنبه‌های چندی را شامل می‌شود، ولی تربیت و شیوه‌های فرزند پروری نیز به‌نوبه خود اهمیت قابل‌توجهی دارد.

نگرش والدین درباره فرزند پروری بر اساس تجربه فردی و خانوادگی، سبک شخصیتی، ویژگی‌های فردی کودک، بافت اجتماعی و زمینه فرهنگی خانواده می‌باشد. از سوی دیگر ارزش‌ها، نظام باورها و اهداف اجتماعی‌سازی والدین از سوی بافت اجتماعی و فرهنگی متفاوت تحت تأثیر قرار می‌گیرد که این امر منجر به بروز رفتارها و سبک‌ها و شیوه‌های رفتاری متفاوت در فرزند پروری و والدگری افراد می‌شود (پاکدامن و خانجانی، ۱۳۹۰، ص ۸۱-۱۰۲). تغییرات سریع در زندگی اجتماعی و خانوادگی اگرچه در دهه‌های اخیر رشد یافته است، اما مفروضات بنیادینی در رابطه با مردانگی^۱ و وابستگی‌های مرتبط با معانی و اهمیت پدری در زندگی مردان ایجاد نموده است (گرسن^۲، ۲۰۰۹ م، ص ۷۳۵-۷۵۳). بسیاری از پژوهش‌ها در باره پدری در چارچوب تئوری هویت^۳ شکل گرفته است و بر برجستگی، خاص‌گرایی و اهمیت هویت پدر در زندگی مردان، به‌ویژه در مواقعی که با درگیری پدران با فرزندان‌شان مرتبط است، پرداخته‌اند (دگارمو و همکاران، ۲۰۱۰ م، ص ۱۸۱-۲۰۲). تأکید بیشتر پدری بر هویت مردان در درگیری بیشتر آنها در

1. masculinity

2. Gerson, K.

3. identity theory

وظایف مراقبتی فیزیکی و روانی والدین است (نیکلسن و همکاران، ۲۰۰۸ م، ص ۳۹-۶۱). ناپایداری پیوند اعضای خانواده نسبت به هم در جامعه امروز سبب شده است که نسبت زندگی فرزندان با مادران به تنهایی و یا پدران به تنهایی افزایش یابد (هوغان و گولدشیدر^۱، ۲۰۰۱ م، ص ۱۷۳-۱۹۱). به عبارت دیگر جامعه جهانی به سوی افزایش خانواده‌های تک پدر (فوت همسر، طلاق) می‌رود و به علت اهمیت رابطه بین پدر و فرزند، لزوم شناخت علمی و کاربردی این ارتباط مورد توجه بسیاری از اندیشمندان اجتماعی و روان‌شناسی شده است. پدر در خانواده‌هایی که پیوندهای پدری و فرزندی سست شده است از نقش تربیتی کم‌رنگ‌تری نیز برخوردار شده است. اگرچه با حضور کم‌تر پدر در این نوع خانواده‌ها تأکید بر وجود پدر بیشتر از تأکید بر تربیت و شیوه تربیتی وی است. ارتباط هرچه بیشتر پدر و فرزند سبب می‌گردد، کودک مهارت‌های زندگی را بهتر فرا گرفته و از سوی دیگر در آینده با مشکلات کمتری روبرو شده و با محیط اجتماعی خودسازگار و در نهایت از سلامت جسمی و روانی بیشتر برخوردار گردد (استکی‌آزاد و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱-۱۵).

از آنجاکه دین‌داری در خانواده‌ها نقش بسزایی در تربیت فرزندان دارد و با افزایش سطح دین‌داری والدین، کودکان در فضای سالم‌تری رشد یافته و نوجوانانی بهنجار خواهند بود (وشوقی و دائمی، ۱۳۸۴، ص ۱۷۴)، مسئله این پژوهش نیز از محور نقش پدران مطرح می‌شود؛ بدین معنا که پدران به‌عنوان مدیران خانواده به چه صورت می‌توانند بر تربیت دینی فرزندان مؤثر باشند و چه ابعادی از نقش‌های آنها می‌تواند تأثیر بیشتری بر تربیت دینی فرزندان داشته باشد. اصولاً ارتباط بین نقش پدری و سایر موضوعات خانواده همچون تربیت دینی فرزندان کمتر در پژوهش‌ها به چشم می‌خورد، تنها در پژوهش‌هایی که رابطه دین‌داری خانواده و سلامت روان کودکان و نوجوان مطرح است به‌صورت ضمنی به نقش پدر اشاره شده (قدرتی و خرمایی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۸) و از آنجاکه امروزه به یک مسئله جدی تبدیل شده است، این پژوهش نیز به دنبال بررسی ابعاد این مسئله است.

بنابراین، مسئله اصلی پژوهش توجه ضعیف به نقش پدری در خانواده در زمینه تربیت فرزندان با رویکرد دینی است و هدف اصلی این پژوهش نیز بررسی تأثیر نقش‌های مرسوم پدری در رابطه با بعد دینی فرزندان است. در این رابطه نیز ابتدا محققین انواع نقش‌های پدری را با توجه به مبانی موجود استخراج و سپس تأکیدی نیز بر نقش دینی پدری خواهند داشت. آنگاه با توجه به روش موجود به بررسی رابطه و میزان تأثیر نقش‌های پدری بر تربیت دینی پدری خواهد پرداخت؛

1. Hogan & Goldscheider

بنابراین سؤال اصلی در این پژوهش این است که نقش پدری چه میزان بر تربیت دینی در قبال فرزندان خواهد داشت؟

مبانی نظری

اگرچه در دهه‌های اخیر، خانواده‌های تک پدر^۱ سریع‌تر از خانواده‌های تک مادر^۲ رشد کرده است، به طوری که در سال ۲۰۰۰، نسبت خانواده‌های تک پدر به کل خانواده‌ها به یک ششم رسیده که نسبت به سال ۱۹۷۰ که یک دهم بود بیشتر است (فیلدز و کاسپر^۳، ۲۰۰۱ م، ص ۲۰-۵۳۷)؛ اما پژوهش کمتری در این رابطه در کشور مشاهده می‌گردد. به عبارت دیگر، پژوهش‌هایی که به بررسی متغیر نقش پدر در خانواده متکی هستند یا در لوای مطالعات نظری خانواده بوده و یا برخی از ابعاد آن را فراموش کرده‌اند.

به بیان جامعه‌شناسان، هر نوع مفهوم‌پردازی در رابطه با پدری^۴، به سرعت نسبت به ده سال گذشته تغییر پیدا کرده است (نلسون^۵، ۲۰۰۴ م، ص ۴۲۷). اگرچه ادبیات این موضوع به طور ثابت نشان می‌دهد که درگیری مثبت پدران با رشد شناختی، اجتماعی و احساس فرزندانشان پیوند دارد (لاندا^۶ و همکاران، ۲۰۰۷ م، ص ۹۸). پدری اخیراً در ادبیات رشد کودک (فلوری^۷، ۲۰۰۵ م، ص ۱۱)، به موازات تأکید بیشتر بر کودکان در توسعه جهانی توجه مهمی را یافته است (گرانثمن و مک‌گریگور^۸، ۲۰۰۷ م، ص ۶۰-۷۰).

نقش پدر یکی از نقش‌های مهمی است که در خانواده از آن یک فرد هست. شواهد نشان می‌دهد، دریافت، اجرا و ایفای این نقش نیازمند آموختن و یادگیری است. به طوری که در برخی تعاریف به این مسئله اشاره شده است. از نظر لیتون^۹ (۱۹۵۳)، نقش شامل نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتاری است که از سوی جامعه به فرد یا افرادی که این پایگاه را اشغال می‌کنند، داده می‌شود (کوزر و لوزنبرگ، ۱۳۸۵، ص ۲۷۱). دادن نقش به یک فرد یعنی، اینکه نقش یک فرد به تنهایی معنادار نبوده و بایستی بین دو و بیش از دو نفر مورد تعریف قرار گیرد؛ بنابراین، نقش پدر تنها

1. single-father families
2. single-mother families
3. Fields & Casper
4. fatherhood
5. Nelson, T. J.
6. Lundahl, B. W, Tollefson, D, Risser, H, & Lovejoy, C. M.
7. Flouri, E.
8. Grantham-McGregor
9. Ralph Linton

نقشی است که بین فرزند و مرد خانواده تعریف می‌گردد.

ایواتا (۲۰۰۳ م، ص ۲۹۷) پدر را فردی می‌داند که در سه مورد با اعضای خانواده جدید در ارتباط است. پدر ابتدا با کودک، سپس با مادر و پس از آن با کلیت خانواده ارتباط دارد. وی نقش پدر را به دو صورت، بعد رفتاری و بعد تبعی بیان می‌دارد. منظور از بعد رفتاری ایفای نقش و وظیفه واگذار شده به پدر است و منظور از بعد تبعی نتیجه‌ای است که از بعد رفتاری عاید مخاطب موردنظر می‌شود.

جدول ۱: ابعاد نقش پدر در خانواده

نقش پدر در	بعد رفتاری	بعد تبعی
کودک	بازی کردن، مراقبت کردن توجه کردن، تربیت و پرورش دادن، حفاظت کردن حمایت کردن، درگیر کردن خود.	اجتماعی شدن، تأدیب و نظم و ترتیب دادن، القای خودمختاری نمودن، یادگیری اخلاقیات، رشد نقش جنسی، کمک به رشد توانایی‌های شناختی، مداخله در روابط نمادین مادر- فرزند، تحمیل کردن اقتدار، نظارت و حمایت کردن.
مادر	حمایت فیزیکی از مادر به‌وسیله: کمک به مراقبت از کودک، مشارکت در خانه‌داری	حمایت روانی از مادر به‌وسیله: بحث درباره مراقبت کودک، نصیحت کردن، دادن وقت آزاد به مادر، فهمیدن مادر.
خانواده	نان‌آوری، تصمیم سازی	حفاظت و نظارت، القای اقتدار

منبع: ایواتا (۲۰۰۳)

در ایران پژوهشی که کلیه ابعاد نقش پدری را مدنظر قرار داده باشد به چشم نمی‌خورد؛ اما برخی از محققین به‌صورت جزئی در قالب نقش خانواده، نقش همسر و یا نقش تربیتی پدر به برخی از وظایف پدر اشاره نموده‌اند. در خارج از کشور نیز در ابتدا، اطلاعاتی که در پژوهش‌های اولیه در دهه‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ جمع‌آوری شده بود و به پدر ارتباط داشت به موضوع مادری، همسری و ارتباط مرد خانه با زن و همسر اختصاص داشت (کوهن، ۱۹۹۳ م، ص ۲).

پس از آن، پژوهش‌ها به‌سوی تأکید بر نقش پدر در خانواده با جزئیات بیشتر دنبال شد. تمایلات پژوهشی خاص پدری اولین بار در مطالعات خانواده‌های پدر غایب^۱ در اواخر دهه ۱۹۶۰ و پدران پرورش‌دهنده در سال‌های ۱۹۸۰ قوت گرفت (لمب^۲، ۱۹۸۶ م، ص ۱۴-۱۶). پژوهشگران انواع شکل‌های پدری (کولز^۳، ۲۰۰۱ م، ص ۱۰۱-۱۱۶؛ استون^۴، ۲۰۰۲ م، ص ۱۳۹-۱۴۹)، درگیری پدری^۵ (پارک^۱، ۱۹۹۶، ۲۰۰۰ م، ص ۴۳-۵۸)، هویت والدینی (پاسلی و همکاران^۲، ۲۰۰۲ م،

1. Father absent
2. Lamb, M.E.
3. Coles, R. L.
4. Stone, G.
5. father involvement

ص ۱۳۰-۱۳۸؛ رین و مک برد^۲، ۲۰۰۰ م، ص ۳۴۸) و روش‌های تأثیر پدران بر رشد کودکان (کابرا و همکاران^۴، ۲۰۰۰ م، ص ۱۲۷-۱۳۶؛ لمب، ۱۹۸۷ م، ص ۳-۲۵) را مطالعه نمودند.

لمب (۱۹۸۷ م، ص ۳-۲۵) درگیری والدینی را در سه موضوع محدود می‌کند: درگیری و تعهد^۵، دسترسی‌پذیری^۶ و مسئولیت‌پذیری^۷. منظور از درگیری، ارتباط تک‌به‌تک پدر با فرزند (مانند سپری کردن زمانی با او در فعالیت‌ها) است. دسترسی‌پذیری نیز نوعی درگیری است که در آن پدر یک فعالیت خاص (مانند آشپزی، مطالعه) را انجام می‌دهد، اما برای پاسخگویی به خواسته‌های فرزند حاضر است. عنصر سوم یعنی مسئولیت‌پذیری، میزان پاسخگویی پدر در برابر رفاه و سلامتی فرزند است (لمب، ۱۹۸۷ م، ص ۳-۲۵).

مک نیل^۸ (۲۰۰۲ م، ص ۸)، نقش‌های پدری را در این دوران در چهار دسته می‌گنجاند: پدرانی که به‌عنوان پرورش‌دهنده و مراقب فرزندان^۹ (بیان عشق و محبت، درگیری همدلانه، راهنما و راهبر، پایبندی به رژیم غذایی کودک، صمیمیت مردانه با کودک)، همبازی با فرزندان^{۱۰} (میزان و تنوع بازی کردن، خرید اسباب‌بازی)، ارائه‌دهنده خدمات^{۱۱} (نان‌آور، میزان فعالیت اقتصادی و درآمد، رضایت شغلی) و حامی^{۱۲} (مدیریت بحران و قوت جسمی و روحی، حمایت از کودک، خطرپذیری برای کودک، مدافع کودک، پدرسالاری) شناخته می‌شوند.

تربیت عبارت است از زمینه‌سازی برای کمک کردن به متربی جهت شکوفاسازی قابلیت‌ها و توانش‌های درونی‌اش. امروزه مریبان و فیلسوفان تعلیم و تربیت می‌گویند که کمک کردن باید در سه‌شاخه بینش‌ها، گرایش‌ها و انگیزش‌ها و رفتارها انجام شود (کشاورز، ۱۳۸۷، ص ۱۲۴). تربیت دینی نیز عبارت است از مجموعه اعمال عمدی و هدف‌دار، به‌منظور آموزش گزاره‌های معتبر یک دین به افراد دیگر، به‌نحوی که آن افراد در عمل و نظر به آن آموزه‌ها متعهد و پایبند گردند (داودی، ۱۳۸۳، ص ۲۶). این نوع تربیت اگرچه در تعاریف به‌نوعی رسمی بودن تربیت دینی منجر گردیده

1. Parke, R. D.

2. Pasley, K, Futris, T. D, & Martie, L.

3. Rane, T. R, & McBride, B A

4. Cabrera, N. J, Tamis-Lemonda, C. S, Bradley, R. H, Hofferth, S, & Lamb, M. E.

5. engagement

6. accessibility

7. responsibility

8. McNeill, T.

9. Identity as Nurturer and Caregiver

10. Identity as a Playmate

11. Identity as a Provider

12. Identity as a Protector

است؛ اما در رابطه با نقش خانواده و والدین بالأخص نقش دینی پدری در حالتی غیررسمی و دور از فنون پیچیده تربیتی است.

تربیت دینی جزئی از تربیت در معنای عام نیست، بلکه غایت تربیت و یا تربیت مطلوب محسوب می‌شود؛ زیرا هدف نهایی تربیت آن است که متربی خویش را ربوبی سازد. بنابراین، تربیت مطلوب همان تربیت دینی است. توجه به بعد ارزشی و اعتقادی جزء لاینفک تربیت دینی است. با وجود این، در فرهنگ منبعث از تعالیم اسلامی، تربیت دینی تربیت مطلوبی است که از جزئی‌ترین مسائل زندگی تا مسائل عمده آن را در برمی‌گیرد و کل شخصیت انسان را پوشش می‌دهد؛ زیرا تربیت دینی به معنای متخلق شدن به اخلاق الهی است که هدف بعثت تمام پیامبران است (نوروزی و بدیعیان، ۱۳۸۸، ص ۹۳). بنابراین نقش تربیتی پدری در بعد دینی کاملاً فزاینده و مهم‌تر از سایر نقش‌های وی دارد که در این پژوهش نیز به این نقش‌ها اشاره خواهد شد.

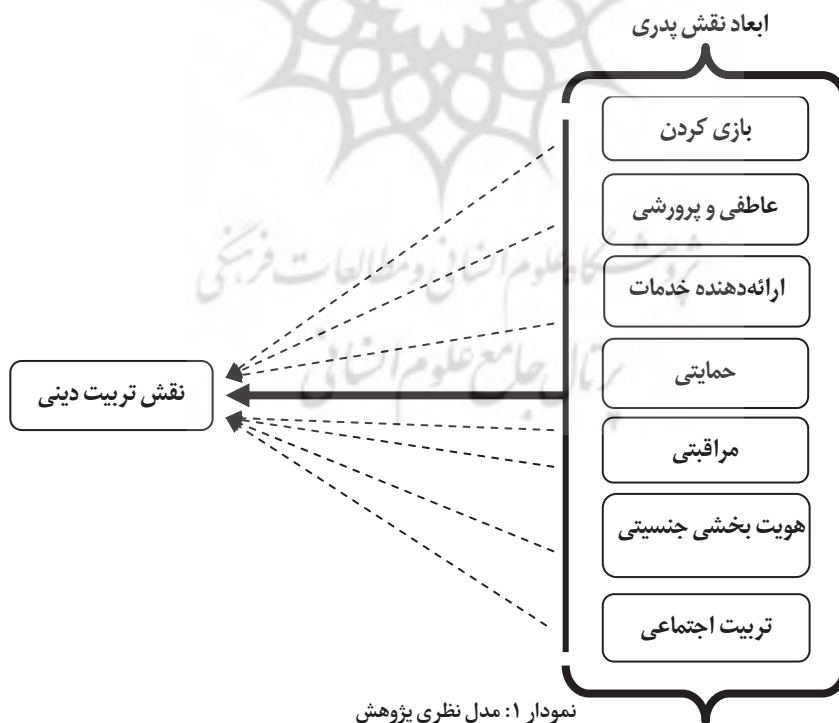
تعلیم و تربیت علاوه بر اینکه می‌تواند در رشد اخلاقی، عقلانی، رفتاری و حتی جسمانی فرد مؤثر باشد، می‌تواند وسیله‌ای در جهت رفع نیازهای حقیقی و مصالح اجتماعی به شمار آید؛ یعنی نقش تعلیم و تربیت تنها در عینیت بخشیدن به زندگی مادی و معنوی فرد محدود نمی‌شود، بلکه تمام شئون اجتماعی او را در برمی‌گیرد و عامل رشد و تحول اساسی جامعه می‌گردد. تربیت دینی یکی از زیرمجموعه‌های نظام تعلیم و تربیت است که از دیرباز مورد توجه جوامع بوده تا بر مبنای آن گام‌هایی در جهت پرورش افراد متدین برداشته شود. آن‌گونه که فطرت انسان و جهان آفرینش و حکمت و عدل خداوند مقتضی آن است؛ نه انسان ساخته تربیت علمی محض که انسانی تک‌ساحتی است و به‌دوراز فطرت و آفرینش خود و جهان هستی (یوسفی‌لویه، ۱۳۸۶، ص ۱۵۶).

دلیل عمده عدم موفقیت در راه تربیت دینی کودکان، نقص در برنامه‌ها است نه در کودکان. عدم آگاهی از برداشت‌های کودکان، تعلیم و تربیت ما را دچار نواقص و کمبودهای گوناگونی خواهد کرد. از جمله اینکه سبب خواهد شد معارف دینی در سطوحی ارائه شود که بافهم کودکان متناسب نباشد و گاه این مایه خستگی و دل‌زدگی آنان از معارف دینی و حتی اصل اسلام شود (باهنر، ۱۳۸۸، ص ۲۰۴). در اینجا نیز به‌نوعی دیگر اشاره به اهمیت بالای تربیت دینی شده است و پدر به‌عنوان فردی که در خانواده ایرانی نقش مهمی دارد بایستی در حیطه تربیت دینی پدر هرچه بیشتر ظاهر گردد. از آنجاکه جنسیت یکی از شاخص‌ترین طبقه‌های اجتماعی است و در رابطه با پدری نیز می‌توان به‌نوعی به نقش‌های سنتی پدر در قالب تصورات قالبی نگریست، لذا تصورات قالبی جنسیتی (کیفیت‌های متمایزی که به مردان و زنان اختصاص داده می‌شوند) دسته مهمی از تصورات قالبی را تشکیل می‌دهند (نجات و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱-۱۸). این نوع تصورات در

حال حاضر در برخی از نقش‌های پدری توانسته است خود را نشان دهد و در این پژوهش نیز یافته‌ها گویای این مطلب است.

با توجه به نقش‌هایی که پدر می‌تواند بر عهده بگیرد و همچنین در نظر گرفتن متغیر اصلی پژوهش یعنی نقش تربیت دینی پدر، فرضیات زیر ارائه می‌گردد. بایستی توجه کرد که اگرچه تمامی این فرضیات با توجه به متغیرهایی است که نقش پدر را مورد ارزیابی قرار می‌دهند، ولی هرکدام به وظیفه و نقش خاصی اشاره دارد که گاهی ارتباطی با یکدیگر ندارد.

۱. نقش بازی کردن پدری بر نقش تربیت دینی پدر تأثیر دارد.
 ۲. نقش عاطفی و پرورشی پدری بر نقش تربیت دینی پدر تأثیر دارد.
 ۳. نقش ارائه‌دهنده خدمات پدری بر نقش تربیت دینی پدر تأثیر دارد.
 ۴. نقش حمایتی پدری بر نقش تربیت دینی پدر تأثیر دارد.
 ۵. نقش مراقبتی پدری بر نقش تربیت دینی پدر تأثیر دارد.
 ۶. نقش هویت بخشی جنسیتی پدری بر نقش تربیت دینی پدر تأثیر دارد.
 ۷. نقش تربیت اجتماعی پدری بر نقش تربیت دینی پدر تأثیر دارد.
- درنهایت اینکه با توجه به مبانی نظری، فرضیات این پژوهش مدل نظری زیر ارائه می‌گردد.



تعریف عملیاتی متغیرهای اصلی پژوهش

نقش بازی کردن پدر: این متغیر به ایفای نقش پدر در رابطه با فرزند در مواردی همچون خرید اسباب بازی، بازی کردن در خانه، به پارک بردن فرزندان، آموزش انواع بازی و نیاز دانستن بازی تعریف شده است.

نقش عاطفی و پرورشی: این متغیر به ایفای نقش پدر در رابطه با فرزند در مواردی همچون عشق ورزیدن، ایفای محبت، همدردی، راهنما و راهبر، اهمیت دادن به مشکلات جسمی و روحی و ایفای صمیمیت با فرزندان تعریف شده است.

ارائه دهنده خدمات: این متغیر به ایفای نقش پدر در رابطه با فرزند در مواردی همچون توجه به جنبه اقتصادی، اولویت دادن به جنبه اقتصادی، اختصاص درآمد به فرزندان، داشتن صفت نان آوری، دوست داشتن شغل پدر و تلاش برای برآورده کردن نیازهای اقتصادی تعریف شده است.

نقش حمایتی پدر: این متغیر به ایفای نقش پدر در رابطه با فرزند در مواردی همچون حل بحران‌های کلان زندگی فرزندان، حامی بودن در بزرگسالی، به خطر انداختن خود برای فرزندان، حمایت از فرزندان در مسئولیت‌های او، دفاع از فرزندان، همیشه در کنار فرزند بودن و شخصیت کاریزما در خانواده بودن تعریف شده است.

نقش مراقبتی پدر: این متغیر به ایفای نقش پدر در رابطه با فرزند در مواردی همچون کمک به مادر قبل و بعد از تولد کودک، انجام کارهای اولیه نوزاد، شستن لباس کودکان، نظافت فردی کودک و توجه به مسائل زیستی کودک تعریف شده است.

نقش هویت بخشی جنسیتی پدر: این متغیر به ایفای نقش پدر در رابطه با فرزند در مواردی همچون آموزش کارهای دخترانه و پسرانه به تفکیک، کنترل پوشش مناسب کودکان، آموزش هویتی کودکان، آموزش تأمل درباره زندگی به فرزندان، گفتگو درباره مسائل جنسی با فرزندان، آموزش مباحث مرتبط با بلوغ و گفتگو درباره تفاوت‌های زن و مرد با فرزندان تعریف شده است.

نقش تربیت اجتماعی پدر: این متغیر به ایفای نقش پدر در رابطه با فرزند در مواردی همچون آموزش اخلاق و رفتار در اجتماع، آموزش مسائل محیط زیست، آموزش نظافت خانه و اتاق فرزندان، آموزش آداب معاشرت اجتماعی در گفتگو و آموزش عدم دخالت در کار بزرگ‌ترها تعریف شده است.

نقش تربیت دینی پدر: این متغیر به ایفای نقش پدر در رابطه با فرزند در مواردی همچون آموزش نماز خواندن، برحذر داشتن از دروغ‌گویی، غیبت، تهمت، قسه‌گویی و داستان‌گویی درباره پیامبران و امامان، توصیه به فرزندان جهت تماشای فیلم‌های و کارتون‌های دینی و اسلامی، آموزش

اخلاق دینی و مسجد رفتن، آموزش پوشش و ظاهر مناسب دینی و آموزش اشعار دینی و آیات قرآنی تعریف شده است.

روش

روش انجام این تحقیق، پیمایش است. ضرورت استفاده از این روش در این است که با توجه به اهمیت پرسشنامه‌های بسته پاسخ، بالأخص در تجزیه و تحلیل، در این پژوهش نیز از این ابزار سود جسته می‌شود. به عبارت دیگر، با توجه به گستردگی جامعه آماری از نظر حجم و همچنین متغیرهای مستقل تأثیرگذار بر آن و همچنین گردآوری داده‌هایی با دامنه برد بالا و قابلیت مانور آماری در آن و در نهایت آزمون‌های آماری مناسب برای فرضیات پژوهش لازم است که از روش تحقیق پیمایش استفاده شود. با استفاده از این روش و لحاظ نمونه معرف می‌توان نتایج را به جامعه آماری تعمیم داده و بر اعتبار پژوهش افزود.

جامعه آماری پژوهش حاضر را خانواده‌های ساکن در شهر مشهد در سال ۱۳۹۱ شامل می‌شود که تعداد آنها بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵، ۷۸۷۰۶۱ بوده است. محقق با در نظر گرفتن اینکه تمامی خانواده‌ها دارای پدر هستند و با توجه به اینکه به تعداد آمار دقیق پدران دسترسی نداشته، تعداد خانواده را ملاک قرار داده است. بنابراین، می‌توان این گونه گفت که اگرچه تعدادی از خانواده‌ها در واقعیت دارای پدر نیستند و این موضوع حجم جامعه آماری را کاهش می‌دهد، ولی با توجه به اینکه تعداد نمونه انتخابی بیشتر از برآورد است خللی وارد نمی‌کند.

از بین مناطق دوازده‌گانه شهرداری، یک منطقه از پایگاه بالا، یک منطقه پایین و دیگری از مناطق متوسط به نمونه انتخاب خواهد شد؛ و با توجه به اینکه جمعیت مناطق شهرداری در هر منطقه در معاونت فرهنگی، اجتماعی شهرداری مشهد وجود دارد، لیستی از جمعیت مناطق استخراج گردیده است. لازم است برای تعیین سه منطقه و مشخص نمودن وضعیت اقتصادی و اجتماعی آنها از پژوهش‌هایی که در این زمینه صورت گرفته و به خوشه‌بندی مناطق شهر مشهد همت گمارده‌اند (همچون یوسفی، ۱۳۸۳)، استفاده شود.

بنابراین سه منطقه با توجه به وضعیت پایگاه اجتماعی و اقتصادی انتخاب شدند (منطقه نه بالا، منطقه سه متوسط و منطقه شش پایین). با توجه به اینکه جمعیت مناطق شهرداری در سه منطقه به ترتیب منطقه سه ۳۰۰۹۰۶ نفر، منطقه شش ۱۹۸۸۲۷ نفر و منطقه نه ۲۸۷۳۲۸ نفر هست (معاونت فرهنگی، اجتماعی شهرداری مشهد)، پس از تدوین ابزار و حجم نمونه، این سه منطقه به صورت تصادفی انتخاب و به‌عنوان خوشه‌های اصلی در نظر گرفته شده‌اند. پس از آن، در

هر منطقه یک ناحیه نیز به تصادف انتخاب و به عنوان خوشه مرحله بعد در نظر گرفته شد. سپس، از هر ناحیه نیز با توجه به بلوک‌های آماری، تعدادی از بلوک‌ها به تصادف انتخاب و در نهایت از هر بلوک نیز با مراجعه به درب منازل پرسشنامه‌ها تکمیل شد. گفتنی است که پاسخگویان فقط پدران هر خانواده بوده و در صورت عدم حضور پدر در خانه، به خانه دیگر به صورت انتخاب تصادفی رجوع شده است.

فرمول نمونه‌گیری که در این پژوهش از آن استفاده شده است، فرمول نمونه‌گیری کوکران به صورت زیر است (رفیع پور، ۱۳۷۵، ص ۳۸۳). مراحل انجام نمونه‌گیری در این پژوهش به این صورت است که ابتدا نواحی مشخص، سپس در هر ناحیه بلوک‌های شهری تعیین، پس از آن با رجوع به درب منازل به تکمیل مصاحبه‌ها اقدام خواهد شد:

$$n: \text{حجم جامعه آماری}$$

$$t: \text{فاصله اطمینان برابر با } 1/96$$

$$p: \text{احتمال وجود صفت (0/5)}$$

$$q: \text{احتمال عدم وجود صفت (0/5)}$$

$$\frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

d: درجه اطمینان برابر با 0/07 در نظر گرفته شده است. از آنجاکه در هر پژوهشی، پژوهشگر با محدودیت‌هایی همراه است، ناگزیر است با اعمال تغییرات آماری در روش نمونه‌گیری و حتی مقادیر آن تا حدودی تبعات این محدودیت‌ها را کاهش دهد (خطیبان و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۵۵). از محدودیت‌های موجود در نگارش پایان‌نامه‌ها، هزینه سنگین اجرای پرسشنامه‌ها، دسترسی به پاسخگویان، تکثیر و تجزیه و تحلیل است. در این پژوهش نیز با توجه به این محدودیت‌ها و با تأیید استاد راهنما و مشاور سطح خطا کمی افزایش پیدا کرد. البته به نظر می‌رسد اگر سطح خطا افزایش یابد میزان اعتبار کمتر از سایر محدودیت‌ها متأثر می‌شود.

با توجه به فرمول فوق و مقادیر هر یک از مشخصه‌های این فرمول می‌توان حجم نمونه موردنظر را این‌گونه محاسبه نمود:

$$\frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)} = \frac{\frac{1.96^2 \times 0.5 \times 0.5}{0.07^2}}{1 + \frac{1}{787061} \left(\frac{1.96^2 \times 0.5 \times 0.5}{0.07^2} - 1 \right)} = 196$$

با توجه به فرمول فوق حجم نمونه ۱۹۶ نفر به دست آمد که در جدول زیر جزئیات این تعداد نمونه مشخص است.

جدول ۲: حجم نمونه در سه منطقه انتخابی شهر مشهد

جامعه آماری	حجم جامعه (نفر)	نسبت از کل	حجم نمونه
کل شهر مشهد	۷۸۷۰۶۱	-	۱۹۶
منطقه سه	۷۹۰۰۸	۰/۳۸۳	۷۵
منطقه شش	۴۹۹۸۴	۰/۲۵۲	۴۸
منطقه نه	۶۸۲۴۲	۰/۳۶۵	۷۳

ابزار پژوهش پرسشنامه بوده است که در آن با استفاده از طیف لیکرت پنج گزینه‌ای به گردآوری داده‌ها پرداخته شده است. اعتبار ابزار پژوهش از دو طریق قابل ارزیابی است. اعتبار صوری در راستای طراحی و اعمال نظر داوران هست. بنابراین، ابتدا پرسشنامه در اختیار داوران (استادان و صاحب نظران) قرار گرفت و با تأیید آنها اعتبار صوری ابزار پژوهش مشخص گردید؛ اما مهم‌ترین روش جهت سنجش اعتبار ابزار اعتبار سازه است که با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی^۱ به روش واریماکس^۲ صورت گرفت. اعتبار سازه بر این مطلب تأکید می‌کند که آزمون تا چه اندازه سازه نظری یا صفت مورد نظر را اندازه می‌گیرد. این سنجش مستلزم سه اقدام اساسی است. در ابتدا سازنده آزمون باید صفت مورد نظر را به دقت تحلیل کند. در مرحله بعد، چگونگی ارتباط صفت با متغیرهای دیگر را مورد توجه قرار دهد و بعد از طریق آزمایش معلوم کند که آیا این روابط فرضی واقعاً وجود دارند (شریفی، ۱۳۸۰، ص ۲۴۵). پایایی ابزار نیز با استفاده از آماره آلفای کرونباخ محاسبه گردیده است؛ اگرچه کل مقیاس محقق ساخته میزان آلفای ۰/۸۹ را به دست آورد، ولی در زیر مقیاس‌های این ابزار مقادیر متفاوتی از آلفای کرونباخ محاسبه گردید که در ادامه خواهد آمد.

جدول ۳: اعتبار و پایایی سنجی ابزار پژوهش

بعد پذیری	مقدار ویژه	درصد واریانس تبیینی	آماره (KMO)	آزمون پارتلت	سطح معنی داری	تعداد گویه	میزان آلفای کرونباخ
بازی کردن	۲/۴۴	%۴۹	۰/۷۴	۱۷۹/۳	۰/۰۰	۵	۰/۸۶
نقش عاطفی و پرورشی	۲/۷۲	%۴۵	۰/۷۳	۲۴۱/۴	۰/۰۰	۶	۰/۸۸
ارائه دهنده خدمات (اقتصادی)	۲/۱۴	%۵۸	۰/۶۲	۱۵۹/۳	۰/۰۰	۶	۰/۷۹
نقش حمایتی پدر	۲/۹۷	%۵۷	۰/۸۰	۲۴۶/۴	۰/۰۰	۷	۰/۸۵
نقش مراقبتی	۲/۸۵	%۵۷	۰/۸۰	۲۷۲/۶	۰/۰۰	۵	۰/۹۲
هویت بخشی جنسیتی	۳/۵۱	%۶۷	۰/۷۷	۴۴۳/۶	۰/۰۰	۷	۰/۷۱
تربیت اجتماعی و روانی	۲/۹۹	%۶۷	۰/۷۸	۳۲۰/۴	۰/۰۰	۶	۰/۹۰
نقش تربیت دینی پدر	۲/۷۲	%۴۸	۰/۷۴	۱۵۷/۶	۰/۰۰	۶	۰/۷۵

1. Confirmatory Factor Analysis(CFA)

2. varimax rotation

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش در بخش توصیفی نشان داده است که جنسیت ۱۹/۵ فرزندان پاسخگویان دختر، ۳۰/۸ درصد پسر و ۴۹/۷ درصد نیز هر دو جنسیت است. تحصیلات ۵/۶ درصد پاسخگویان ابتدایی، ۱۳/۸ درصد راهنمایی، ۴۳/۶ درصد دیپلم، ۱۲/۳ درصد کاردانی، ۱۶/۴ درصد کارشناسی، ۶/۲ درصد ارشد و ۲/۱ درصد نیز دکتری است. ۸۷/۷ درصد پاسخگویان شاغل و ۱۲/۳ درصد آنها بیکار هستند. شغل ۲۶/۶ درصد پاسخگویان کارمند دولتی، ۳۹ درصد آزاد (با درآمد متوسط)، ۵/۶ درصد آزاد (با درآمد بالا)، ۱۴/۷ درصد آزاد (با درآمد پایین) بوده و در نهایت ۱۴/۱ درصد نیز بازنشسته هستند.

در رابطه با متغیرهای کمی زمینه‌ای نیز یافته‌های پژوهش نشان داد که میانگین سن پاسخگویان (۴۲/۹±۱۰/۴)، بوده و کمترین سن ۲۶ سال و بیشترین سن نیز ۶۵ سال است. میانگین سن فرزند بزرگ پاسخگویان (۱۶/۸±۱۱/۱)، بوده و کمترین سن این فرزندان ۱ سال و بیشترین سن آن‌ها نیز ۴۰ سال است. میانگین سن فرزند کوچک پاسخگویان (۱۲/۹±۷/۶)، بوده و کمترین سن این فرزندان کمتر از ۱ سال و بیشترین سن آنها نیز ۲۸ سال است. میانگین تعداد فرزندان پاسخگویان (۶)، بوده و کمترین تعداد فرزندان ۱ نفر و بیشترین آنها نیز ۸ نفر است. میانگین درآمد ماهیانه پاسخگویان (۹۴۴/۶±۶۹۹/۸)، بوده و کمترین میزان درآمد آنها، ۲۸۰ هزار تومان و بیشترین آن نیز ۵ میلیون تومان است. میانگین مخارج ماهیانه پاسخگویان (۸۷۳±۵۴۷/۷) بوده و کمترین میزان مخارج آنها، ۸۰ هزار تومان و بیشترین آن نیز ۳ میلیون تومان است. میانگین کسر مخارج ماهیانه از درآمد ماهیانه پاسخگویان (۸۴/۹±۳۹۷/۵)، بوده و کمترین میزان آن، ۱- میلیون تومان و بیشترین آن نیز ۲ میلیون تومان است.

جدول ۴: توصیف نقش‌های پدری

ع ت	معتبر	نقش بازی‌کننده	پرورش‌دهنده	اقتصادی	حمایتی	مراقبتی	هویت بخشی جنسیتی	تربیتی	دینی
	۱۹۵	۱۹۷	۱۹۷	۱۹۷	۱۹۷	۱۹۷	۱۹۵	۱۹۷	۱۹۷
	۲	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۰	۰
میانگین	۳/۶۹	۴/۲۶	۳/۴۷	۴/۰۷	۳/۴۴	۳/۸۳	۴/۲۳	۳/۹۶	
میانه	۳/۶۰	۴/۲۳	۳/۵۰	۴/۱۴	۳/۴۰	۳/۸۳	۴/۱۶	۴	
مد	۳/۴۰	۴	۳	۴/۴۳	۴	۳/۸۶	۵	۴/۲۰	
آ. معیار	۰/۶۴	۰/۵۳	۰/۵۹	۰/۵۴	۰/۸۴	۰/۶۳	۰/۵۶	۰/۶۴	
واریانس	۰/۴۱	۰/۲۸	۰/۳۵	۰/۳۰	۰/۷۲	۰/۴۰	۰/۳۲	۰/۴۱	
کمینه	۲/۲۰	۲/۸۳	۱	۲	۱	۲/۳۰	۲/۵۰	۳	
بیشینه	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	

در جدول شماره (۴)، به توصیف این ابعاد و همچنین شاخص پدری پرداخته شده است. گفتنی است میزان میانگین پاسخ‌ها در این بخش در بازه صفر تا پنج قرار دارد. همان‌طور که مشخص است، میانگین ابعاد نقش بازی‌کننده (۳/۶±۰/۶)، پرورش‌دهنده (۴/۲±۰/۵)، اقتصادی (۳/۴±۰/۵)، حمایتی (۴/۰±۰/۵)، مراقبتی (۳/۴±۰/۸)، هویت‌بخشی جنسیتی (۳/۸±۰/۶)، تربیتی (۴/۲±۰/۵) و دینی (۳/۹±۰/۶) است. جهت بررسی نرمال بودن متغیرها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف^۱ استفاده شده است. در این آزمون هرگاه سطح معناداری بالاتر از ۰/۰۵ باشد، متغیرها نرمال هستند. اگر متغیرهای پژوهش نرمال باشند، می‌توان از آزمون‌های پارامتریک و کمی استفاده کرد.

جدول ۵: آزمون کولموگروف-اسمیرنوف جهت بررسی نرمال بودن داده‌ها

ابعاد پدری								تفاوت‌ها بیشتر	مطلق
دینی	تربیتی	هویت بخشی جنسیتی	مراقبتی	حمایتی	اقتصادی	پرورش‌دهنده	نقش بازی‌کننده		
۰/۰۷	۰/۰۸	۰/۰۸	۰/۰۶	۰/۱۰	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۰	مثبت	
۰/۰۵	۰/۰۸	۰/۰۸	۰/۰۵	۰/۰۴	۰/۰۷	۰/۰۹	۰/۱۰	منفی	
-۰/۰۷	-۰/۰۸	-۰/۰۵	-۰/۰۶	-۰/۱۰	-۰/۱۲	-۰/۱۲	-۰/۰۶	آماره K-S	
۱/۱۰	۱/۲۵	۱/۱۹	۱/۵۶	۱/۴۳	۱/۷۰	۱/۷۴	۱/۵۱	سطح معناداری	
۰/۱۷	۰/۰۹	۰/۱۱	۰/۴۸	۰/۳۵	۰/۲۳	۰/۴۰	۰/۲۰		

با توجه به جدول شماره (۵) و بالا بودن سطوح معناداری می‌توان گفت متغیرهای اصلی پژوهش نرمال بوده و می‌توان در این بخش به آزمون‌های کمی و پارامتریک پرداخت. جهت شناخت هر چه بیشتر روابط همبستگی بین نقش‌های پدری و نقش تربیت‌دینی پدری از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است.

جدول ۶: ماتریس همبستگی ابعاد پدری

تربیت اجتماعی	هویت بخشی جنسیتی	مراقبتی	حمایتی	اقتصادی	پرورش‌دهنده	بازی‌کننده	نقش تربیت‌دینی پدری
۰/۵۳**	۰/۶۲**	۰/۳۲**	۰/۳۵**	۰/۱۸*	۰/۳۲**	۰/۲۸**	
** همبستگی معنادار در سطح ۰/۰۱ خطا * همبستگی معنادار در سطح ۰/۰۵ خطا							

1. One-Sample Kolmogorov-Smirnov Test

جدول شماره (۶) همبستگی بین نقش تربیت دینی پدری و سایر نقش‌های پدری را نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشخص است، همبستگی بین نقش تربیت دینی پدری با نقش بازی‌کننده پدری (۰/۲۸)، نقش عاطفی و پرورشی (۰/۳۲)، نقش اقتصادی (۰/۱۸)، نقش حمایتی (۰/۳۵)، نقش مراقبتی پدری (۰/۳۲)، نقش هویت‌بخشی جنسیتی (۰/۶۲) و درنهایت نقش تربیت اجتماعی (۰/۵۳) است و این بدان معنی است که نقش تربیت دینی پدری با سایر نقش‌های پدری رابطه مستقیم و معنی‌داری دارد. در این بین، بیشترین همبستگی این نقش با نقش هویت‌بخشی جنسیتی و کمترین آن نیز با نقش اقتصادی است.

در راستای میزان تأثیری که نقش‌های پدری بر نقش تربیت دینی داراست، از آزمون رگرسیون استفاده شده است. در ادامه یافته‌های مربوط به این آزمون ارائه خواهد شد.

جدول ۷: میزان همبستگی و ضریب تعیین متغیرهای مستقل در رابطه با نقش تربیت دینی

همبستگی کل	ضریب تعیین	آماره دوربین واتسون	F	Sig.
۰/۷۳	۰/۵۳	۲/۰۶	۳۰/۱۳	۰/۰۰

جدول شماره (۷)، نشان‌دهنده این است که نقش‌های پدری به‌عنوان متغیرهای مستقل به میزان ۰/۷۳ با متغیر وابسته یعنی نقش تربیت دینی همبستگی داشته و از سوی دیگر، ۵۳ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین نموده‌اند. یکی از مفروضاتی که در رگرسیون مدنظر قرار می‌گیرد، استقلال خطاها (تفاوت بین مقادیر واقعی و مقادیر پیش‌بینی شده توسط معادله رگرسیون) از یکدیگر است. ضریب دوربین واتسون ضریبی است که برای تشخیص جملات خطا در یک رگرسیون به‌کاربرده می‌شود. هرگاه مقدار ضریب حدود ۲ باشد، یعنی مشکلی وجود ندارد. در این مدل نیز مشخص است که مشکلی در استقلال باقیمانده‌ها وجود ندارد. از سوی دیگر با توجه به معنادار بودن آزمون آنالیز واریانس می‌توان گفت مدل رگرسیونی از برازش مناسبی برخوردار است؛ یعنی متغیرهای مستقل پژوهش پیش‌بینی‌کننده‌های مناسبی برای متغیر وابسته می‌باشند.

جدول ۸: میزان تأثیر متغیرهای مستقل بر نقش تربیت دینی

آماره هم خطی		Sig.	t	استاندارد نشده		عرض از مبدأ
VIF	Tolerance			بتا	خطای معیار	
-	-	۰/۰۰۱	۳/۲۶۲	-	۰/۳۱	۱/۰۳۱
۱/۷۵	۰/۵۷	۰/۰۱	۲/۶۰۱	۰/۱۷۳	۰/۰۶	۰/۱۶
۲/۷۸	۰/۳۵	۰/۰۲	۲/۲۰۷	۰/۱۸۵	۰/۰۹	۰/۲۱۶
۱/۲۱	۰/۸۲	۰/۰۰	۴/۵۵	۰/۲۵۲	۰/۰۵	۰/۲۶۸

۲/۰۸	۰/۴۸	۰/۰۰۴	۲/۹۰	۰/۲۱	۰/۰۸	۰/۲۴۱	نقش حمایتی
۱/۷۸	۰/۵۵	۰/۵۸۴	۰/۵۴۹	۰/۰۳	۰/۰۴۹	۰/۰۲۷	نقش مراقبتی
۱/۹۶	۰/۵۱	۰/۰۰	۵/۶۰۸	۰/۳۹۵	۰/۰۶۹	۰/۲۸۵	نقش هویت بخشی جنسی
۲/۰۵	۰/۴۸	۰/۰۰۱	۴/۸۵۱	۰/۳۴۹	۰/۰۷۹	۰/۲۸۴	نقش تربیت اجتماعی

در نهایت اینکه جدول شماره (۸)، ضرایب B و بتا، سطح معنی داری آنها و عامل تورم واریانس (VIF) آمده است. نقش بازی کردن پدر به میزان ۰/۱۷، نقش عاطفی و پرورشی به میزان ۰/۱۸، نقش اقتصادی یا ارائه دهنده خدمات به میزان ۰/۲۵، نقش حمایتی پدر به میزان ۰/۲۱، نقش هویت بخشی جنسی پدر به میزان ۰/۳۹ و نقش تربیت اجتماعی پدر به میزان ۰/۳۵ بر نقش تربیت دینی پدر تأثیر دارد. عامل تورم واریانس نیز نشان می دهد که اکثر متغیرها می توانند در مدل باشند.

بحث و نتیجه گیری

پدری از جدیدترین مفاهیمی است که وارد پژوهش های اجتماعی و روانی شده است. اگرچه در کشورهای غربی به کرات به نقش پدری اشاره شده و پژوهش های فراوانی در رابطه با آن انجام گرفته است، اما در داخل کشور فضای اجرای پژوهش هایی در این رابطه همچنان خالی است. پژوهش حاضر گرچه در ابعاد کوچکی از جامعه آماری صورت گرفته است، اما می تواند قدمی ابتدایی در مسیر مطالعات آتی بردارد. انتظار می رود پژوهش در زمینه پدری و تربیت دینی راهگشای پژوهش هایی باشد که به سنجش رابطه بین پدران و فرزندان می پردازند. به عبارت دیگر، رابطه بین پدر و فرزند تأثیر بسزایی بر زندگی فردی و اجتماعی پدران و بیشتر از آن فرزندان دارد. بنابراین، مطالعه در این زمینه از نیازهای پژوهشی کشور است.

در رابطه با آزمون فرضیات نیز این یافته ها استخراج گردید که نقش بازی کردن پدری بر نقش تربیت دینی پدر تأثیر معنی داری دارد. این بدان معنی است که هرچه بازی کردن پدران با فرزندان آنها بیشتر باشد، می توان گفت که پدران نیز می توانند تربیت خود را بیشتر در جنبه های دینی ارتقا دهند. به عبارت دیگر، از آنجا که ساعات روزانه کودکان به بازی کردن سپری شده است، می توان گفت که پدران می توانند در مسیر بازی با کودکان آموزه های دینی را نیز به آنها آموزش دهند. همچنین هرچه پدران کمتر با فرزندان خود بازی کنند از کودک خود فاصله گرفته و بنابراین در تربیت دینی نیز موفق نخواهند بود.

فرضیه دوم نیز نشان داد که نقش عاطفی و پرورشی پدری بر نقش تربیت دینی پدر تأثیر معنی داری دارد. فرزندان در بسیاری از مراحل نیازمند این هستند که فردی از آنها مراقبت نماید، به

آنها عشق ورزیده و به آنها ایفای محبت نماید. این پژوهش نشان داد که هرچه در این بعد پدران بیشتر تلاش نمایند بنابراین بیشتر می‌توانند به تربیت دینی فرزندان خود همت گمارند.

فرضیه سوم نشان داد که نقش ارائه‌دهنده خدمات پدری بر نقش تربیت دینی پدر تأثیر معنی‌داری دارد؛ یعنی اینکه فرزندان از نظر اقتصادی وابستگی نسبتاً قابل‌توجهی به پدران خود دارند و انتظار دارند که پدران بیشتر به این جنبه توجه نمایند. به عبارت دیگر، از آنجاکه فرزندان درآمد اقتصادی مستقلی ندارند، این نیاز بیشتر احساس می‌شود. در رابطه بین فرزندان و پدران نیز این عامل قابل‌توجه است. بنابراین، در راستای آموزش و تربیت دینی نیز بایستی با مدیریت اقتصادی خانواده و بالأخص مدیریت روابط اقتصادی با فرزندان خللی ایجاد نکنند.

فرضیه چهارم نشان داد که نقش حمایتی پدری بر نقش تربیت دینی پدر تأثیر معنی‌داری دارد. به عبارت دیگر، هرگاه بحران‌های بزرگی برای فرزندان ایجاد می‌شود، آنها به دنبال حامیانی هستند که از جنبه‌های مختلف آنها را حمایت نمایند. در این بین به نظر می‌رسد پدران بهترین و نزدیک‌ترین حامی برای فرزندان محسوب می‌شوند. اگر این جنبه تضعیف بشود و پدران نتوانند شخصیت کاریزمای خانواده باشند، فرزندان از آنها فاصله می‌گیرند و این افزون بر تضعیف نقش تربیت دینی پدر، سبب می‌گردد فرزندان حامی خود را تغییر داده و بسا فردی را خارج از خانواده به عنوان حامی خود انتخاب کنند. این مسئله در رابطه با دختران از اهمیت خاصی برخوردار است و پدران همیشه در ارتباط با مشکلات و بحران‌های زندگی آنها باید به‌عنوان حامی مناسب عمل نمایند.

فرضیه پنجم نشان داد که نقش مراقبتی پدری بر نقش تربیت دینی پدر تأثیر معنی‌داری ندارد؛ یعنی از آنجاکه در دوران طفولیت آموزش و یادگیری و ایفای نقش دینی جایگاه خاصی نداشته و نقش مراقبتی نیز بیشتر نمایان است. در هر صورت این دو نقش ارتباط چندانی را با یکدیگر در این پژوهش نشان نمی‌دهند.

فرضیه ششم نشان داد که نقش هویت بخشی جنسیتی پدری بر نقش تربیت دینی پدر تأثیر معنی‌داری دارد. فرزندان در دوران نوجوانی و با نزدیک شدن به سن بلوغ، خود را نیازمند به مسائل جنسیتی، هویت جنسیتی و آموزش مسائل بلوغ می‌بینند. این موضوع ارتباط خاصی با آموزه‌های دینی دارد، چرا که مشخص است که اگر مسائل جنسی برای افراد از دریچه مناسب آموزش داده نشود، نه تنها مشکلات و معضلات اجتماعی و فردی فراوانی را به دنبال دارد، بلکه باعث می‌گردد افراد هرچه بیشتر از مسائل و آموزه‌های دینی فاصله بگیرند. بنابراین، به نظر می‌رسد پدران بایستی با در نظر گرفتن آموزه‌های دینی به ارتباط این آموزه‌ها با مسائل هویت جنسیتی بیشتر آشنا شده و کودکان خود را به‌طور مناسب تربیت نمایند.

فرضیه هفتم نشان داد که نقش تربیت اجتماعی پدری بر نقش تربیت دینی پدر تأثیر معنی داری دارد. اگرچه تا حدودی بین تربیت اجتماعی و دینی ارتباط وجود دارد، ولی به نظر می‌رسد می‌توان این دو نقش را برای پدران به صورت جدا نیز در نظر گرفت. تربیت اجتماعی سبب می‌گردد کودک اخلاق و رفتار اجتماعی، نظافت خانه، مسائل محیط زیست، آداب معاشرت اجتماعی و خانوادگی را آموزش ببیند. از سوی دیگر، این نوع آموزه‌ها همسو با آموزه‌های دینی است. بنابراین، به نظر می‌رسد که بایستی پدران در این رابطه بیش از پیش به فرزندان خود توجه نمایند. هرچه آموزه‌های اجتماعی منطبق بر آموزه‌های دینی باشد پدران بیشتر می‌توانند تربیت فرزندان خود را دینی نمایند.



منابع

- استکی آزاد، نسیم؛ امیری، شعله؛ مولوی، حسین (۱۳۹۰)، «مقایسه منزلت اجتماعی کودکان پسر مبتلابه اختلالات رفتار ایذائی و بهنجار در مقطع ابتدایی»، پژوهش های روان شناسی اجتماعی، سال ۱، شماره ۱، ص ۱-۱۵.
- باهنر، ناصر (۱۳۸۸)، «تعلیم و تربیت و دنیای ناشناخته دینی کودکان»، مجموعه مقالات همایش تربیت دینی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته.
- پاک دامن، شهلا؛ خانجانی، مهدی (۱۳۹۰)، «نقش فرزند پروری ادراک شده در رابطه بین سبک های دل بستگی و جمع گرایی در دانشجویان»، پژوهش های روان شناسی اجتماعی، سال ۱، شماره ۴، ص ۸۱-۱۰۲.
- خطیبان، مهناز؛ عابد سعیدی، ژیلا؛ اشتری، ایرج (۱۳۸۶)، «نمونه گیری در پژوهش های کمی»، نشریه دانشکده پرستاری و مامایی، سال ۱۶، ص ۵۳-۶۰.
- داودی، محمد (۱۳۸۳)، سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، جلد ۲، تربیت دینی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۵)، مقدمه ای بر روش های شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- رودگر، نرگس (۱۳۸۸)، فمینیسم، تهران: انتشارات دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- شریفی، حسن پاشا (۱۳۸۰)، روش های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: سخن، چاپ اول.
- قدرتی میرکوهی، مهدی؛ خرمایی، احسان (۱۳۸۹)، «رابطه دین داری با سلامت روان در نوجوانان»، مجله علوم رفتاری، سال ۲، شماره ۵۶، ص ۱۱۵-۱۳۱.
- کشاوری، سوسن (۱۳۸۷)، «شاخص ها و آسیب های تربیت دینی»، دو فصلنامه تربیت اسلامی، سال ۳، ش ۶، پاییز و زمستان، ص ۹۳-۱۲۲.
- کوزر، لوئیس؛ روزنبرگ، برنارد (۱۳۸۵)، نظریه های بنیادی جامعه شناسی، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نی، چاپ سوم.
- منادی، مرتضی (۱۳۸۶)، «سرمایه های فرهنگی و فضا های فرهنگی خانواده ها»، فصلنامه خانواده و پژوهش (جامعه شناسی، روان شناسی و علوم تربیتی)، سال ۱، شماره ۱، ص ۱۵-۳۵.
- نجات، پگاه؛ پورنقاش تهرانی، سیدسعید؛ حاتمی، جواد (۱۳۹۰)، «تصورات قالبی جنسیتی

- مرتبط با گروه رشته‌های تحصیلی مختلف در ذهن دانشجویان ایرانی»، پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، سال ۱، شماره ۳، ص ۱-۱۸.
- نوروزی، رضاعلی؛ بدیعیان، راضیه (۱۳۸۸)، «الگوی روابط انسانی در تربیت دینی با تأکید بر سیره امام حسین (علیه السلام)»، فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، زمستان ۱۳۸۸، پیاپی ۳۳، ص ۱۰۸-۹۱.
- وثوقی، منصور؛ دائمی، اکرم (۱۳۸۴)، «عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر نگرش والدین نسبت به روابط میان نوجوانان دختر و پسر در شهر تهران»، مجله انسان‌شناسی (نامه انسان‌شناسی)، سال ۴، شماره ۷، ص ۱۶۱-۱۸۸.
- یوسفی لویه، وحید (۱۳۸۶)، «تأثیر آموزش دروس معارف اسلامی بر نگرش دینی دانشجویان»، دو فصلنامه تربیت اسلامی، سال ۳، ش ۵، ص ۱۸۴-۱۵۳.
- یوسفی، علی (۱۳۸۳)، طرح پژوهشی خوشه‌بندی مناطق شهر مشهد، معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد، دفتر مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- Cabrera, N. J, Tamis-Lemonda, C. S, Bradley, R. H, Hofferth, S, & Lamb, M. E. (2000), Fatherhood in the twenty-first century, *Child Development*, 71, 127-136.
- Cohen, T. (1993), What Do Fathers Provide? Reconsidering the Economic and Nurturer Dimension of Men as Parents, In Hood, J. C. (eds.), *Men, Work and Family*, Newbury Park: Sage Publications.
- Coles, R. L. (2001), The parenting roles and goals of single Black fulltime fathers, *Western Journal of Black Studies*, 25, 101-116.
- DeGarmo, D. (2010), A time varying evaluation of identity theory and father involvement for full custody, shared custody, and no custody divorced fathers, *Fathering*, 8, 181-202.
- Fields, J, & Casper, L. M. (2001), America's families and living arrangements: March 2000 (Current Population Reports P20-537). Washington, DC: U.S. Census Bureau.
- Flouri, E. (2005), *Fathering & Child Outcomes*, Chichester, West Sussex: John Wiley & Sons.
- Gerson, K. (2009), Changing lives, resistant institutions: A new generation negotiates gender, work, and family change, *Sociological Forum*, 24, 735-753.

- Grantham–McGregor, S, Cheung, Y. B, Cueto, S, Glewwe, P, Richter, L, Strupp, B, et al. (2007), Developmental potential in the first 5 years for children in developing countries, *Lancet*, 369(9555), 60–70.
- Habib, C, & Lancaster, S. (2006), The transition to fatherhood: identity and bonding in early pregnancy, *Fathering*, 4, 235–253.
- Hogan, D. P, & Goldscheider, F. (2001), Men’s flight from children in the U.S.: A historical perspective. In S. L. Hofferth & T. J. Owens (Eds.), *Children at the millennium: Where have we come from, where are we going?* (pp. 173–191). Oxford, UK: Elsevier.
- Iwata, H. A Concept Analysis of the Role of Fatherhood: A Japanese Perspective, *J Transcult Nurs* 2003 14: 297.
- Lamb, M. E. (1987), Introductions: The emergent American father, In M. E. Lamb (Ed.), *The father’s role: Cross-cultural perspective* (pp. 3-25). Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Lamb, M.E. (1986), The changing roles of fathers. In: *the father’s role. Applied perspectives*, edited by Lamb, M.E. New York: John Wiley & sons, 3–27.
- Lundahl, B. W, Tollefson, D, Risser, H, & Lovejoy, C. M. (2008). A meta-analysis of father involvement in parent training. *Research on Social Work Practice*, 18(2), 97–106.
- McNeill, T. (2002), *Holistic Fatherhood: a Grounded Theory Approach to Understanding Fathers of Children with Juvenile Rheumatoid Arthritis (JRA)*, Thesis (Ph.D.) University of Toronto.
- Nelson, T. J. (2004), Low-income fathers. *Annual Review of Sociology*, 30, 427–451. doi:10.1146/annurev.soc.29.010202.095947.
- Nicholson, J, Howard, K, & Borkowski, J. (2008), Mental models for parenting: Correlates of met parenting among fathers of young children. *Fathering*, 6, 39–61.
- Parke, R. D. (1996), *Fatherhood*. Cambridge, MA: Harvard University Press. & Parke, R. D. (2000), Father involvement: A developmental psychological perspective, *Marriage & Family Review*, 29, 43–58.

- Pasley, K, Futris, T. D, & Martie, L. (2002), Effects of commitment and psychological centrality on fathering, *Journal of Marriage & Family*, 64(1), 130-138.
- Rane, T. R, & McBride, B. A. (2000), Identity theory as a guide to understanding fathers' involvement with their children, *Journal of Family Issues*, 2, 347-366.
- Stone, G. (2002), Nonresidential father post-divorce well-being: The role of social supports, *Journal of Divorce & Remarriage*, 36, 139-149.

